



جایگاه اتحاد آکوس در سیاست خارجی ایالات متحده در قبال چین و پیامدهای آن

مهدی محمدنیا^۱

عبدالمجید سیفی^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۶/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

^۱. دکترای مطالعات استراتژیک، استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت ا... العظمی بروجردی، mahdi.mnia@yahoo.com

^۲. دکترای روابط بین الملل، استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آیت ا... العظمی بروجردی (ره)، seifi2002@gmail.com

چکیده

امروزه منطقه ایندو-پاسیفیک به عرصه قدرت‌نمایی ایالات متحده و چین به‌ویژه بعد از خروج آمریکا از افغانستان تبدیل شده است. ادراک تصمیم‌گیرندگان آمریکایی این است که تداوم خیزش چین می‌تواند تهدید مستقیمی را در بلندمدت در برابر موقعیت هژمونیک این کشور ایجاد نماید. امضای پیمان آکوس بین سه کشور آمریکا، بریتانیا و استرالیا که برای اولین بار به یک کشور غیرهسته‌ای اجازه داشتن زیردریایی هسته‌ای می‌دهد، گویای راهبرد «بازداردگی چند جانبه» آمریکا در برابر تهدید چین است. مقاله حاضر تلاش دارد با توجه به رسمیت شناختن آشکار آکوس به‌عنوان یک «توافق‌نامه امنیتی»، جایگاه و ضرورت استراتژیک آن را در راهبرد امنیتی آمریکا مورد مطالعه قرار دهد و در عین حال اهمیت این توافق را برای بریتانیا و استرالیا توضیح دهد. این مقاله به روش کیفی مبتنی بر تحلیل توصیفی به‌دنبال پاسخ به این سؤال اصلی است که توافق‌نامه آکوس چه جایگاهی در راهبرد امنیتی ایالات متحده دارد؟ فرضیه مقاله این است که «توافق‌نامه آکوس با احاله بخشی از مسئولیت مهار چین به بریتانیا و ایجاد زمینه برای موازنه‌گری مستقیم استرالیا، در چارچوب راهبرد کلان موازنه‌گری از دور ایالات متحده در قبال چین تعریف می‌گردد». شیوه جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای، استفاده از مجلات تخصصی و سایت‌های معتبر اینترنتی بوده است.

• واژگان کلیدی

آکوس ، موازنه از راه دور، چین، ایالات متحده، استرالیا، بریتانیا.

در دوران پساجنگ سرد، منطقه ایندو-پاسیفیک به علت دوری از جنگ های بزرگ، رشد اقتصادی قابل توجهی را تجربه کرده است. دوران طولانی عدم جنگ در این منطقه وضعیتی را بوجود آورده است که از سوی نویسندگان عنوان «صلح آسیایی» بر آن اطلاق گردید است. امروزه گسترش تنش های آمریکا و چین بر سر هژمونی منطقه ای همراه با شکل گیری اتحادهای امنیتی، بر نگرانی ها نسبت به از دست رفتن این صلح آسیایی دامن زده است. یکی از مهم ترین پیمان های قرن حاضر، پیمان امنیتی آکوس^۱ می باشد که در ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۱ توسط جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، بوریس جانسون، نخست وزیر بریتانیا و اسکات موریسون، نخست وزیر استرالیا امضا گردید (نام آکوس برگرفته از نام این سه کشور است). این پیمان که یکی از مهم ترین بازتاب های رقابت در منطقه هند و اقیانوس آرام بین ایالات متحده و چین است، از سوی بسیاری از تحلیل گران به عنوان مهم ترین ترتیبات امنیتی قرن ۲۱ توصیف شده است. هدف محوری و اعلام نشده آکوس، کنترل «تهدید چین» و پاسخ استراتژیک به قابلیت های نظامی رو به رشد چین در منطقه هند و اقیانوس آرام از طریق تقویت روابط سه جانبه طولانی مدت و مداوم بین متحدین است.

از نظر ایالات متحده، پیمان آکوس با ظرفیت سازی در حوزه زیردریایی هسته ای برای استرالیا، می تواند به عنوان اهرمی جهت ایجاد تعادل نظامی در برابر چین عمل کند. علاوه بر ظرفیت سازی هسته ای برای استرالیا، راه اندازی ظرفیت های مشترک سایبری، فن آوری های جدید تشخیص زیردریایی و هوش مصنوعی، توسعه فن آوری های موشکی کوانتومی و مافوق صوت بخش دیگری از توافق نامه آکوس است (Peyronnet, 2021:2).

خاستگاه تصمیم ایالات متحده برای چرخش به آسیا به دوران اوباما و استراتژی آسیا محوری او و ضرورت کنترل «تهدید چین» برمی گردد. دولت بایدن نیز که رقابت سیستماتیک با چین را به عنوان یک موضوع مهم ژئوپلیتیکی شناسایی کرده است، اکنون این موضوع را از طریق اقدامات ملموس تر عملیاتی کرده است. مقامات آمریکایی به پیچیدگی تهدید چین واقف هستند و سعی دارند به این تهدید از طریق به کار گیری هم زمان ابزارهای خصمانه و همکاری جویانه پاسخ دهند (Coşkun, 2021:2). در واقع، اتحاد آکوس را باید در قالب «موازنه گری از راه دور»^۲ آمریکا مشاهده نمود، هرچند اعضای

1. AUKUS

2. *Offshore* Balancing

دیگر آکوس که این قرارداد را امضا کرده اند، ممکن است ادراک دیگری نسبت به این اتحاد داشته باشند.

بحث در مورد آکوس به دلیل به رسمیت شناختن آشکار آن به عنوان یک «پیمان امنیتی» منجر به سؤالاتی در مورد علت، ضرورت استراتژیک و نسبت آن با پیمان کواد در هند و اقیانوس آرام شده است. مقاله حاضر، این سؤال را مطرح می کند که پیمان آکوس چه جایگاهی را در راهبرد امنیتی ایالات متحده دارد؟ فرضیه مقاله به این شکل صورت بندی می شود که «توافق نامه آکوس با احاله بخشی از مسئولیت مهار چین به اعضای اتحاد و ایجاد زمینه برای موازنه گری مستقیم ایالات متحده، جایگاه مهمی در راهبرد کلان موازنه گری از دور ایالات متحده در قبال چین دارد». شیوه جمع آوری داده ها به صورت کتابخانه ای، استفاده از مجلات تخصصی و سایت های معتبر اینترنتی بوده و مقاله با استفاده از روش کیفی مبتنی بر تحلیل توصیفی انجام شده است.

۱- پیشینه پژوهش

شو کوین شی در مقاله «فراتر از آکوس: اتحاد بزرگ دریایی در حال ظهور» استدلال می کند که آکوس در چارچوب یک زنجیره دفاعی «ضد چینی» منعقد شده است. این ائتلاف با ایجاد استراتژی "بازدارندگی یکپارچه"^۱، ساختار بازدارندگی استراتژیک ایالات متحده را در منطقه هند و اقیانوس آرام علیه چین تغییر خواهد داد (Shi, 2022).

چنگ منکینگ در مقاله «آکوس: دینامیک در حال تغییر و پیامدهای منطقه ای آن» با بیان اینکه صف آراییی جسورانه در قالب آکوس، نشان دهنده تغییر در استراتژی جهانی ایالات متحده است، این اتحاد را از نگاه استرالیا نیز بحث می کند و معتقد است که اشتیاق استرالیا برای تقویت قدرت در محیط امنیتی خود، ارتقای جایگاه و نفوذ در سیستم اتحاد آمریکا و تقویت هویت انگلیسی آنها از دلایل پیوستن این کشور به آکوس است. این مقاله ادعا می کند که با ظهور یک قدرت هسته ای جدید، نظم منطقه ای با تشدید رقابت تسلیحاتی برهم خواهد خورد و نهادهای مرتبط با منع گسترش سلاح های هسته ای تضعیف خواهند شد (Cheng, 2022).

علی دمیر در مقاله «آکوس می تواند مرکز آ.سه.آن. را به خطر بیندازد»، اتحاد آکوس را از زوایه آ.سه.آن بحث می کند و معتقد است که آکوس می تواند تعادل را در منطقه آسیا-اقیانوسیه در برابر اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا تغییر دهد. این مقاله به مطالعه معضل امنیتی کشورهای عضو

¹. Integrated Deterrence

آسه آن پس از ابتکار آکوس می‌پردازد و معتقد است که آکوس رقابت تسلیحاتی را در منطقه افزایش می‌دهد و با درگیر کردن کشورهای آسه. آن در بازی نظامی، مرکزیت آن را در صلح و ثبات منطقه مختل خواهد کرد و در عین حال تعادل منطقه را در کوتاه مدت به نفع ایالات متحده تغییر خواهد داد (Demir, 2023).

تین و تای در مقاله «نقش اتحاد آکوس در موازنه‌سازی علیه چین»، این اتحاد را در چارچوب ائتلاف سازی کشورها برای افزایش قدرت در برابر تهدیدات ارزیابی می‌کنند و معتقدند که از آن جایی که کشورها همیشه منابع محدودی دارند، لذا یکی از کوتاه‌ترین راه‌کارها برای مقابله با تهدیدات امنیتی ائتلاف‌سازی است. در واقع آکوس نشانگر این است که آمریکا به تنهایی قادر به مهار چین نیست و در این مسیر نیاز به پیدا کردن همزمان استراتژیک دارد (Tien and Tai, 2023).
لذا آنچه که این پژوهش را از بسیاری از مقالات مرتبط متمایز می‌کند، مطالعه نتایج امنیتی این پیمان از زاویه چارچوب مفهومی «موازنه از راه دور»^۱ است.

۲- چارچوب نظری: موازنه‌گری از دور

واقع‌گرایان سنتی ذات شرور انسان را منشأ علت تهاجم دولت‌ها در نظر می‌گیرند با این وجود، نحله‌های جدیدتر واقع‌گرایان نظیر واقع‌گرایان تهاجمی، ساخت نظام بین‌الملل را به کانون توجه خود منتقل کرده و ریشه رفتار تهاجمی دولت‌ها را در آن جستجو می‌نمایند. واقع‌گرایی تهاجمی تلاش دارد با توجه به مفاهیمی نظیر منافع امنیتی و بقا، سیاست خارجی دولت‌ها به‌ویژه قدرت‌های بزرگ را تبیین نماید. از نظر واقع‌گرایان تهاجمی، قدرت‌های بزرگ اهداف غیرامنیتی را زمانی مورد پیگیری قرار می‌دهند که تعارضی با اصل موازنه قوا نداشته باشد و یا به تحقق منافع امنیتی آنها کمک نماید (دان و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

از این منظر، واقع‌گرایان تهاجمی به مانند سایر واقع‌گرایان، بقا را در مرکز تمام نیازهای دولت‌ها قرار می‌دهند و معتقدند دولت‌ها برای بقا به حداکثرسازی قدرت می‌پردازند. از آن‌جا که دولت‌ها دقیقاً نمی‌دانند به چه میزان قدرت نیاز دارند، در پی حداکثرسازی قدرت و رسیدن به جایگاه هژمون هستند؛ زیرا هژمون دارای رفیع‌ترین سطح امنیتی یعنی امنیت کامل در نظام بین‌المللی است. از این منظر، رقابت جدی بین قدرت‌های بزرگ برای رسیدن به جایگاه هژمونیک (حداقل در سطح

^۱. *Offshore Balancing*

منطقه‌ای) وجود دارد. جهان مجبور به تحمل این رقابت دائمی است؛ زیرا تبدیل شدن به هژمون هدف غایی قدرتهای بزرگ است (Mearsheimer, 2001a: 29).

وقتی یک دولت در جایگاه هژمون قرار می‌گیرد، برای جلوگیری از ظهور هژمون‌های منطقه‌ای اقدام به حفظ موازنه قوا می‌کند. موازنه قوا نوعی توزیع بخشی قدرت است و بستری را فراهم می‌کند که اجازه می‌دهد دولت‌های منطقه‌ای هم‌دیگر را موازنه نموده و مانع از شکل‌گیری یک هژمون منطقه‌ای گردند. این راهبرد کلان، «موازنه‌گری از دور» نامیده می‌شود. در ضرورت پیشبرد این راهبرد تفاوتی بین دو حزب جمهوری خواه و دموکرات وجود ندارد و از نگاه هر دو حزب، کنترل تهدید چین و جلوگیری از تبدیل شدن آن به یک هژمون منطقه‌ای، یک استراتژی اصلی در سیاست خارجی آمریکا است.

راهبرد کلان موازنه‌گری از دور دارای دو رکن است: راهبرد احاله مسئولیت و راهبرد موازنه‌گری مستقیم. این دو راهبرد به شکل متقابل هم‌دیگر را قوام می‌بخشند و مکمل هم هستند. راهبرد احاله مسئولیت در پی آن است که تمام یا بخشی از مقابله با دولت متخاصم را به دولت یا دولت‌های دیگر در یک منطقه محول کند. این راهبرد در نظام منطقه‌ای چندقطبی رواج دارد زیرا معمولاً در چنین نظامی، دولت‌هایی یافت می‌شوند که مایل یا قادر به مهار دولت متخاصم هستند (Mearsheimer, 2001b: 91). این دولت‌ها باید از نظر سطح قدرت در جایگاهی باشند که بتوانند و تمایل داشته باشند دولت متخاصم را موازنه کنند. از این جهت، کاربست راهبرد احاله مسئولیت در نظام دوقطبی، اهمیت کمتری دارد؛ زیرا دولت ثالثی وجود ندارد که قادر به موازنه‌سازی با دولت متخاصم باشد. از این منظر، معمولاً هژمون تمایل دارد در هر منطقه یک نظام چندقطبی وجود داشته باشد تا امکان احاله مسئولیت و کنترل دولت متخاصم از راه موازنه‌گری از دور، وجود داشته باشد. هرچه شکاف بیشتری بین دولت‌های منطقه وجود داشته باشد، امکان ایجاد موازنه بین آن‌ها از طریق احاله مسئولیت بیشتر خواهد بود؛ زیرا با تشدید تعارض منافع میان قدرتهای منطقه‌ای، دولت‌های بیشتری مایل به پذیرش این مسئولیت خواهند بود. بنابراین، ایجاد شکاف جدید و حفظ شکاف‌های موجود، یک پیش‌زمینه مهم برای ایجاد و حفظ یک موازنه قوای مؤثر در هر منطقه استوختی راهبرد احاله مسئولیت دچار ضعف می‌شود، یا باید انتظار شکست آن را داشت یا باید با راهبرد موازنه مستقیم تکمیل و تقویت گردد. بخش دیگر از راهبرد کلان موازنه‌گری از دور در قبال چین، موازنه‌گری مستقیم است. این موازنه‌گری مستقیم به شکل تکمیلی در کنار احاله مسئولیت صورت می‌پذیرد. موازنه مستقیم زمانی مورد توجه دولت هژمون قرار می‌گیرد که دولت‌های منطقه‌ای که موازنه متخاصم به آنها محول شده، دچار ضعف شده یا توان موازنه را نداشته باشند (پریفتی، ۱۳۹۶: ۲۲-۲۴). موازنه مستقیم با تهدید

طرف متخاصم از طرق دیپلماتیک و ایجاد ائتلاف‌های تدافعی صورت می‌پذیرد. از این نوع موازنه‌گری با عنوان موازنه‌گری خارجی^۱ نیز یاد می‌شود. در اغلب موارد، موازنه‌گری مستقیم به شکل ترکیبی همراه با احاله مسئولیت صورت می‌گیرد.

اگر از منظر راهبرد کلان موازنه‌گری از دور بنگریم، هدف ایالات متحده به‌عنوان قدرت هژمون جهانی، حفظ وضع موجود و جلوگیری از رشد هژمون‌های رقیب است (Mearsheimer, 2001c: 42). از این منظر، ایالات متحده در مناطق مختلف جهان همواره سعی داشته مانع از رشد هژمون‌های منطقه‌ای شود. به‌عنوان مثال، در خاورمیانه، برای مقابله با ایران و جلوگیری از تبدیل آن به یک هژمون منطقه‌ای، اقدام به احاله، بخشی از مسئولیت مهار جمهوری اسلامی ایران به عربستان سعودی و رژیم صهیونیستی نموده است و هم‌زمان به اقدامات مستقیم نظیر تحریم‌ها متوسل می‌شود. در اوراسیا نیز ایالات متحده بخش مهمی از مسئولیت مهار روسیه را به دولت‌های بزرگ اروپایی احاله داده است و در همان حال از طریق اقدامات تکمیلی در قالب اعمال تحریم‌های موثر بر ضد این کشور بویژه بعد از جنگ ۲۰۲۲ اوکراین و کمک‌های نظامی به اوکراین و سایر دولت‌هایی که این مسئولیت به آن‌ها واگذار شده، تلاش دارد مانع از تبدیل روسیه به یک هژمون منطقه‌ای گردد.

اصلی‌ترین تجلی کاربست موازنه‌گری از دور در سیاست خارجی ایالات متحده را می‌توان در منطقه ایندوپاسفیک و در قبال چین مشاهده نمود. با توسعه اقتصادی چین و هند، منطقه ایندوپاسفیک به منطقه‌ای مهم در ژئواکونومی بین‌المللی تبدیل شده و این منطقه بخش قابل‌توجهی از گردش مالی بین‌المللی را به خود اختصاص داده است و در آینده نیز با تداوم رشد این دو کشور، این منطقه به یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصاد بین‌الملل تبدیل خواهد شد. حضور اقتصادهای بزرگی نظیر ژاپن، استرالیا و کره جنوبی از یک سو و اقتصادهای نوظهور بزرگی نظیر هند سبب تقویت جایگاه ژئواکونومیک این منطقه شده است.

از منظر ایالات متحده در منطقه ایندوپاسفیک، نوعی هژمون‌گرایی در رفتار چین مشهود است. چین به لحاظ داشتن ظرفیت‌های لازم همچون اقتصاد بزرگ، قدرت نظامی، جمعیت بالا، سرزمین وسیع، تلاش می‌کند به یک هژمون منطقه‌ای تبدیل شود و این هژمون‌گرایی منطقه‌ای را به سایر مناطق جهان بسط دهد. از سوی دیگر رشد اقتصادی چین و گسترش نفوذ اقتصادی این کشور در مناطق مختلف جهان و قدرت‌افکنی در بسیاری از بازارهای جهان، سبب شده تا توجه به چین به مسئله اساسی و حتی مهم‌ترین مسئله سیاست خارجی ایالات متحده تبدیل گردد.

^۱. External Balancing

در واقع، سیاست ایالات متحده در ایندوپاسفیک در قبال چین دارای دو جنبه ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک است. این موضوع به نوع ادراک از تهدید چین توسط ایالات متحده برمی‌گردد که دارای دو بعد است. بعد نخست بعد نظامی است. از منظر نظامی نوعی گسترش طلبی در رفتار چین در حوزه پیرامونی وجود دارد که توسط ایالات متحده و متحدانش به خوبی درک شده است. چین از یک سو در حال گسترش پایگاه‌های نظامی خود در اقصی نقاط جهان است که نمونه آن را می‌توان در ایجاد یک پایگاه دریایی بزرگ در جیبوتی در تنگه راهبردی باب‌المندب در سال ۲۰۱۵ مشاهده نمود. همچنین چین تلاش گسترده‌ای برای بسط قدرت‌افکنی نظامی خود در ایندوپاسفیک انجام داده است. در ۱۷ جولای ۲۰۲۲ چین سومین ناو هواپیمابر خود با نام فوجیان را در شانگهای به آب انداخت. ناوی که به‌طور کامل در چین ساخته شده و اولین ناو هواپیمابر چین به‌شمار می‌آید که از سامانه پرتابشی^۱ در آن استفاده می‌شود. همچنین ناوشکن‌های چین مأموریت‌های زیادی در آب‌های دور نظیر سواحل یمن و لیبی انجام داده‌اند که نشان از تمایل چینی‌ها برای قدرت‌افکنی در حوزه‌های فرامنطقه‌ای است (Danindra Novita, 2022: 5).

بعد دوم، ادراک از تهدید اقتصادی چین است. با توجه به این ادراک از تهدید، راهبرد کلان موازنه-گری از دور در قبال چین مبتنی بر اولویت احاله مسئولیت به قدرت‌های منطقه‌ای است که به چین به مثابه یک تهدید نگرسته و تمایل و توان موازنه با چین را دارند. شاید مستعدترین دولت برای احاله مسئولیت، هند است. هند از یک سو، دارای نیروی مسلح قدرتمند، اقتصاد بزرگ و جمعیت زیاد است که می‌تواند از این جهت، ظرفیت موازنه چین را داشته باشد. از سوی دیگر، هند دارای اختلافات سرزمینی و مرزی قابل توجه با چین است. هند و چین در سال ۱۹۶۲ وارد جنگ شدند و از آن زمان تاکنون نتوانسته‌اند اختلافات مرزی خود را حل و فصل کنند. هر دو کشور ادعا می‌کنند هزاران کیلومتر از قلمرو آنها در کنترل یکدیگر است. ژاپن نیز گزینه مستعد دیگر برای واگذاری بخشی از مسئولیت مهار چین است (Ahmadkhan, 2023: 94).

بخش دیگر از راهبرد کلان موازنه‌گری از دور در قبال چین، موازنه‌گری مستقیم است. این موازنه-گری مستقیم به شکل تکمیلی در کنار احاله مسئولیت صورت می‌پذیرد. به‌طور کلی، براساس اسناد امنیت ملی ایالات متحده، چین در حوزه کشورهای متخاصم در برابر شکل‌گیری نظم جهانی مدنظر ایالات متحده قرار دارد. ایالات متحده به‌ویژه از زمان اوباما راهبرد چرخش به آسیا به منظور «بازموازنه» در منطقه ایندو-پاسفیک را در دستور کار خود قرار داد. این راهبرد در زمان ترامپ در قالب راهبرد

^۱. Catapult launch system

«ایندو-پاسفیک آزاد و باز»^۱ دنبال شد. این عبارت کوتاه، دارای نکات مهمی برای ایالات متحده است. تاکید بر دو رکن آزادی و بازی، دلالت بر حمایت از دموکراسی و حمایت از اقتصاد لیبرال است که انتظارات سیاسی و اقتصادی ایالات متحده در منطقه را دربر می‌گیرد. اواما برای گسترش روابط با متحدان منطقه‌ای خود پیمان همکاری ترانس پاسفیک^۲ را با متحدان خود امضا کرد. هیلاری کلینتون در سال ۲۰۱۱ در سفر خود به این منطقه بر اهمیت این منطقه برای ایالات متحده تاکید کرد و اشاره کرد آینده ایالات متحده جدا از این منطقه نخواهد بود (Clinton, 2011). پس از روی کار آمدن ترامپ وی اعلام کرد که راهبرد اواما را کنار می‌گذارد، لذا از همکاری ترانس پاسفیک خارج شد. ترامپ نگاه بسیار منفی به سیاست‌ها و اقدامات نظامی و اقتصادی چین داشت اما به دلیل این‌که ایالات متحده تا حدی از متحدان خود فاصله گرفت، نوعی نگرانی در میان متحدان شکل گرفت. روی کار آمدن بایدن راهبرد تقویت همکاری با متحدان را تا حد زیادی احیا نمود و بلیسکن در سخنرانی خود در دسامبر ۲۰۲۱ در جاکارتا شعار ایندو-پاسفیک آزاد و باز را تکرار کرد (Bayezit, 2022: 6) که از ساحل غربی هند تا سواحل غربی ایالات متحده کشیده شده است. این راهبرد به روشنی معطوف مهار چین بوده و گویای رقابت فزاینده راهبردی بین واشنگتن و پکن است. ایالات متحده همچنین این بازتعریف محدوده جغرافیایی را در ساختار نظامی خود منعکس نمود و در ماه مه ۲۰۱۸ «فرماندهی پاسیفیک ایالات متحده» را به «فرماندهی ایندو-پاسیفیک ایالات متحده» تغییر نام داد (ابراهیم‌خانی، ۱۳۹۹).

ظهور آکوس و نتایج امنیتی آن برای کشورهای عضو

توافق آکوس زمانی حاصل شد که آمریکا بعد ۲۰ سال حضور نظامی پرهزینه در سال ۲۰۲۰ مجبور به خروج نظامی از افغانستان شد. از نظر برخی تحلیل‌گران، تمرکز آمریکا به شرق آسیا برای اطمینان بخشیدن به متحدین خود بعد از خروج از افغانستان و منصرف کردن رقبا از برافراشتن یک پرچم جدید در منطقه هند و اقیانوس آرام بوده است (Observer Research Foundation, 2021). برای آمریکا پیمان آکوس در ادامه روابط نظامی-امنیتی دیرینه این کشور با بریتانیا و استرالیا تعریف می‌شود. این روابط تاریخی، به تشکیل پیمان‌های ناتو و آنزاس در دوره جنگ سرد بر می‌گردد. ایالات متحده و استرالیا دو متحد پیمانی تحت پیمان ۱۹۵۱ آنزاس هستند که هدف آن ایجاد یک سپر دفاعی در مقابل اقدامات اتحاد جماهیر شوروی در منطقه ایندو-پاسفیک بود. ایالات متحده و

1. Free and Open Indo-Pacific

2. *Trans-Pacific Partnership* (TPP)

بریتانیا اعضای پیمان ۱۹۴۹ سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) هستند. ایالات متحده، استرالیا و بریتانیا نیز به همراه کانادا و نیوزلند بخشی از گروه اشتراک اطلاعات پنج چشم ۱۹۴۶ هستند. ایالات متحده در ابتدا در سال ۲۰۰۷ و بار دیگر در سال ۲۰۱۷ به استرالیا، ژاپن و هند پیوست تا گفت‌وگوی چهارجانبه امنیتی موسوم به کواد را تشکیل دهد (شکل ۱)؛ (CRS Reports, 2022a: 1-2).

از نظر آمریکا، توافق‌نامه آکوس روابط دفاعی و اطلاعاتی این کشور با استرالیا و بریتانیا را تحکیم می‌کند و در عین حال تعدادی از ترتیبات امنیتی چندجانبه موجود را تقویت می‌نماید. با ایجاد اتخاذهای کلیدی از سوی ایالات متحده در منطقه در چارچوب توافق‌نامه آکوس و سایر ابتکارات چندجانبه، ایالات متحده به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات شرکای منطقه‌ای خود در رابطه با تعهد و قدرت ماندن آمریکا در منطقه ایندو-پاسیفیک است. جویایدن رئیس‌جمهور آمریکا، از ایستادن «شانه به شانه» سه کشور در مقابل تهدیدات صحبت کرد و گفت که آکوس «توانایی مشترک ما برای مقابله با تهدیدات قرن بیست‌ویکم را به روز و تقویت خواهد کرد» (CRS Reports, 2022b). مایک گالافر، سناتور جمهوری خواه معتقد است «آکوس یک مشارکت جدید حیاتی است که باید در خط مقدم معماری امنیتی ما در اقیانوس آرام باشد» (Gallagher, 2022: 2).

به‌طور کلی، آکوس منعکس‌کننده استراتژی کلان ایالات متحده برای ایجاد تعادل در فراساحل است: این استراتژی مبتنی بر چند محور است:

الف) حفظ متحدان استراتژیک به عنوان ستون‌های اصلی استراتژی خود در منطقه آسیا و اقیانوسیه در برابر ظهور هر دشمن بالقوه و رقیب استراتژیک هم‌تا (در این مورد چین) است؛

ب) تقویت و توانمندسازی متحدان خود از نظر اقتصادی و نیروهای نظامی در برابر ظهور سریع منطقه‌ای چین؛

ج) حفظ قدرت در منطقه آسیا-اقیانوسیه که ایالات متحده مدعی است بازیگر غالب آن برای بیش از یک قرن است؛

د) حفظ پایگاه نظامی استراتژیک کلیدی خود برای اجرای طرح‌های اضطراری نظامی و همکاری متحدان و شرکای خود در منطقه (Khan, 2021a).

توافق آکوس زمینه‌ای لازم را برای همکاری‌های گسترده نظامی، اطلاعاتی و امنیتی آمریکا با نیروهای نظامی دو کشور دیگر را فراهم می‌آورد. در این راستا، ایجاد تأسیسات ساخت ۸ زیردریایی با سوخت هسته‌ای در خاک استرالیا توسط آمریکا که برای نخستین بار به یک کشور غیرهسته‌ای اجازه داشتن زیردریایی هسته‌ای را می‌دهد، بیانگر اهمیت فوق‌العاده این پیمان برای آمریکا است (Samaan,

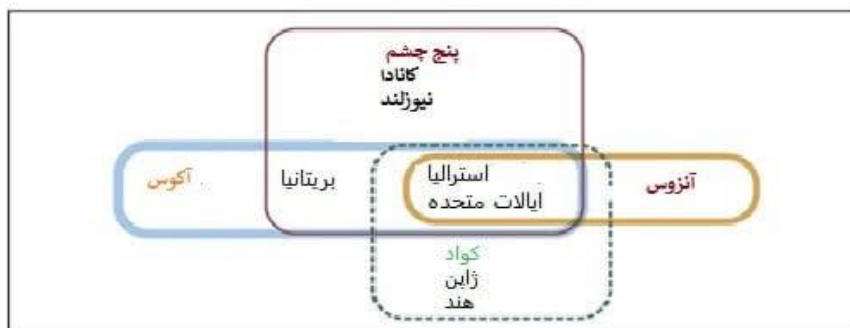
2: 2021). پیش از این، آمریکا فن آوری هسته‌ای خود را تنها با بریتانیا به اشتراک گذاشته بود. برای ایالات متحده، استرالیا می‌تواند به‌عنوان یک پایگاه نسبتاً امن رو به جلو با توانایی انجام بازدارندگی از راه دور علیه چین در نظر گرفته شود (Shi, 2022:251).

اهمیت این توافق برای آمریکا به حدی بود که با انعقاد آن، منجر به لغو قرارداد متحد خود یعنی فرانسه با استرالیا در سال ۲۰۲۱ گردید به‌طوری‌که مکرون رئیس‌جمهور فرانسه آن را خنجر از پشت نامید. استرالیا قبل این توافق، در سال ۲۰۱۶ قراردادی را با فرانسه امضا کرده بود؛ تا این کشور زيردریایی‌های برقی دیزلی باراکودا به ارزش ۵۵ میلیارد دلار استرالیا را در یک دوره ۲۵ ساله در اختیار استرالیا قرار دهد. این توافق که به‌عنوان بزرگترین قرارداد قرن فرانسه به شمار می‌رفت، منافع اقتصادی و ژئوپلیتیک قابل توجهی برای این کشور داشت. توجیه ایالات متحده این بود که این قرارداد باعث تضعیف روابط بین ایالات متحده و استرالیا در مورد مسائل امنیتی هند و اقیانوسیه می‌شود و این که استرالیا برای تضمین امنیت منطقه و پاسخ مؤثرتر به گسترش نظامی و قاطع چین، به زيردریایی‌های هسته‌ای نیاز دارد (Chapman, 2022a: 19-20).

به‌طور کلی یکی از مهم‌ترین راهبردهای امنیتی ایالات متحده برای حفظ هژمونی خود در مقابل ظهور تهدید چین، ائتلاف‌سازی با متحدین و استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و نظامی آنها برای موازنه‌سازی از دور در منطقه ایندو-پاسیفیک است. این مسأله به‌ویژه بعد از خروج نظامی آمریکا از افغانستان و تردید متحدین نسبت به تضمین‌های امنیتی آمریکا، شکل تازه‌ای به خود گرفته است. در این راستا آمریکا برای اطمینان بخشی به متحدین خود از یک سو و ایجاد تعادل امنیتی در منطقه هند و اقیانوس آرام از سوی دیگر، نیاز دارد تا با افزایش شکاف‌های سیاسی-امنیتی متحدین با چین، آنها را در ائتلاف‌های امنیتی خود جذب نموده و با محدود کردن فضای بازی چین، این کشور را بیش از گذشته در تنگنای استراتژیک قرار دهد.

علاوه بر توافق‌نامه موجود، طرح‌هایی نیز برای گسترش آکوس وجود دارد که با اضافه شدن نیوزلند و کانادا یک حلقه امنیتی گسترده‌ای دور چین شکل می‌گیرد (Corben, Townshend & Patton, 2021: 3). از نظر ایالات متحده، امروزه چین یک چالش سیستماتیک برای این کشور است، لذا تنها از طریق رویکردهای سیستمی می‌توان با آن مقابله کرد (Lamba, 2022: 254). از این منظر، ایجاد آکوس نمودی از راهبرد کلان موازنه‌گری از دور آمریکا در برابر چین است. در این چارچوب، بخشی از مسئولیت مهار چین به اعضای آکوس احاله می‌گردد و بخش دیگر در قالب موازنه‌گری مستقیم ایالات متحده صورت می‌گیرد.

شکل ۱: گروه های دفاعی، اطلاعاتی و امنیتی



منبع: CRS Reports, 2022

برای استرالیا، پیمان آکوس با تسلیح این کشور به زیردریایی های اتمی، زمینه ساز موازنه‌گری مستقیم این کشور در برابر چین است. استرالیا کشوری جزیره ای است و به شدت آزادی دریاها و آزادی کشتیرانی برای آن اهمیت دارد. بنابراین این چالش های امنیتی در حوزه ژئواکونومیک می تواند زنجیره تولید و تأمین مواد اولیه و صدور کالاهایش را به خطر اندازد (Zhou, 2021: 3). این مسئله به عنصر اصلی شکل دهنده به سیاست خارجی استرالیا تبدیل شده است.

استرالیا، چه از شرق به غرب و چه از جنوب به شمال، در مرکز جغرافیایی استراتژی جدید هند و اقیانوسیه آمریکا قرار دارد. در مرکز بخش جنوبی زمین قرار دارد و اقیانوس هند و اقیانوس آرام به مثابه دو بال آن هستند. استرالیا همچنین در مقایسه با سایر متحدان ایالات متحده هم چون کره-جنوبی و ژاپن، از چین فاصله زیادی دارد. این موقعیت ژئوپلیتیک به استرالیا این امکان را می دهد تا تسلیحات دوربرد را برای بازدارندگی چین مستقر کند (Shi, 2022:251). سهم فزاینده چین در تجارت جهانی و نفوذ روزافزون قدرت دریایی چین بر ادراکات تهدید مقامات و نخبگان سیاسی استرالیا سایه افکنده است. چین اخیراً زیردریایی هایی با سوخت هسته ای موسوم به 09V یا 095 را به کار گرفته و ناوگان دریایی خود را با این زیردریایی ها در اقیانوس هند و آرام فعال ساخته که سبب نگرانی شدید کانبرا شده است (Sheng, 2021: 4) در واقع، کانبرا گسترش قدرت دریایی چین را به مثابه یک تهدید مهم تلقی می کند و در پی سیاست موازنه سازی در قبال چین است. از این منظر آکوس یک توافق برد-برد برای استرالیایی ها محسوب می شود.

در این میان مرکز ثقل پیمان آکوس، توسعه قابلیت های نظامی به ویژه انتقال فن آوری پیشبران هسته ای به استرالیا جهت موازنه سازی در مقابل چین است. در واقع این اولین باری است که

لندن و واشنگتن دامنه توافق نامه اشتراک هسته ای را از زمانی که این دو کشور قرارداد دفاع متقابل قبلی را در سال ۱۹۵۸ امضا کردند، گسترش می‌دهند (Chapman, 2022b: 5). آکوس بیشتر بر توسعه قابلیت های نظامی به‌ویژه ساخت زیردریایی‌های هسته‌ای تمرکز دارد. استرالیا در ابتدا قصد دارد تقریباً هشت زیردریایی از این دست را در آدلاید^۱ بسازد و یک پایگاه زیردریایی جدید در ساحل شرقی خود به‌عنوان بخشی از تلاش گسترده‌تر برای تقویت قابلیت‌های امنیتی ملی خود ایجاد کند. در حال حاضر، شش کشور زیردریایی‌های هسته‌ای دارند. (Macartney 2023)، زیردریایی‌های هسته‌ای محدودیت‌های مشابه زیردریایی‌های معمولی را ندارند و می‌توانند ماه‌ها در زیر آب بمانند.

دولت استرالیا به‌طور فزاینده‌ای از اقدامات چین، از جمله اعمال محدودیت‌های تجاری در پاسخ به درخواست‌های استرالیا برای تحقیق در مورد منشأ کوید ۱۹، تلاش برای تأثیرگذاری بر سیاست استرالیا و گسترش حضور در اقیانوس آرام جنوبی نگران است. کانبرا در پاسخ، بزرگ‌ترین توسعه توان دفاعی خود را از زمان جنگ ویتنام آغاز کرد و هزینه‌های نظامی را ۷.۴ درصد برای سال مالی ۲۰۲۲ افزایش داد تا به ۲.۱۱ درصد از تولید ناخالص داخلی برسد و برنامه‌ریزی برای افزایش حجم ارتش خود را آغاز کرده است (1 CRS Reports, 2022c). نخست وزیر اسکات موریسون هشدار داد که "قوس خودکامگی" نظم جهانی را به چالش می‌کشد و وضعیت ژئوپلیتیک کنونی را با عدم اطمینان استراتژیک دهه ۱۹۳۰ قابل مقایسه دانست. پیتر داتون وزیر دفاع سابق استرالیا اعلام کرد که استرالیا باید برای جنگ آماده شود. یک نظرسنجی در سال ۲۰۲۱ نشان داد که ۷۵ درصد از رای‌دهندگان استرالیایی احساس می‌کنند چین تهدیدی مهم برای امنیت ملی استرالیا است و ۵۹ درصد از توافق نامه آکوس حمایت می‌کنند. از طریق آکوس، استرالیا قابلیت‌های حمله دوربرد بیشتری را برای «بازدارندگی و پاسخ به چالش‌های امنیتی بالقوه» به دست می‌آورد. دستیابی به موشک‌های کروز تامهاوک^۲ برای ناوشکن‌های کلاس هوبارت^۳، موشک‌های ضد کشتی دوربرد برای جتاف/ای-۱۸ هورنت^۴، موشک‌های ایستاده هوا به سطح با برد گسترده برای هواپیماهای اف/ای-۱۸ و اف ۳۵، موشک‌های مافوق صوت و وسایل نقلیه زیرآبی بدون سرنشین از جمله ظرفیت‌های آکوس برای استرالیا می‌باشد. این پیمان یک

1. Adelaide

2. Tomahawk

3. Hobart Class

4. F/A-18 Hornet

همکاری قابل توجه در توسعه قابلیت‌ها است و از نظر برخی تحلیل‌گران، به این معنی است که چین با یک اتحاد دفاعی قدرتمند جدید روبرو است (CRS Reports, 2022d: 1-2).

آمریکا برای تحکیم روابط نظامی با استرالیا حتی از اصل «ساخت آمریکا» نیز در مونتاژ خط تولید پهپادهای نظامی جدید بوئینگ لویال وینگمن^۱ در خاک استرالیا عدول کرده است. ایالات متحده در ادامه روابط نظامی خود با استرالیا، در اکتبر ۲۰۲۱ مجوز فروش هواپیماهای جنگ الکترونیک بوئینگ ئی‌ای-۱۸ جی گراولر^۲ و هلیکوپترهای ام‌اچ-۶۰ آر^۳ را صادر کرد که جایگزین هلیکوپترهای ان‌اچ-۹۰^۴ سفارش شده از کنسرسیوم اروپایی، شد (Medcalf and Nouwens, 2022).

امروزه وابستگی استرالیا به ابزارهای نظامی ایالات متحده در حال تبدیل شدن به ساختار است. دست‌یابی به چنین ابزارهایی، با حمایت یک توافق‌نامه امنیتی با یک قدرت بزرگ، می‌تواند استرالیا را به جایگاه یک قدرت ژئوپلیتیکی مهم، در محور هند و اقیانوس آرام برساند. این وضعیت جدید، استرالیا را با چالش‌های جدیدی مواجه می‌کند و منجر به افزایش مداخله در مرزهای شمالی آن، تا دریای چین جنوبی، در حمایت از سیاست آمریکا برای مهار پکن خواهد شد. استرالیا در واقع در موقعیت ایده‌آلی در محل اتصال اقیانوس آرام و هند قرار دارد. این یک مانع ژئوفیزیکی برای نفوذ چین و یک پایگاه پشتیبانی ضروری برای نیروهای ایالات متحده در اقیانوس آرام است. ابزار جدید آکوس، به‌ویژه زیردریایی‌های هسته‌ای، بخشی از این طرح هست که قابلیت‌های دفاعی استرالیا را تا سال ۲۰۴۰ با گستره اقیانوسی گسترش می‌دهند. استرالیا برای تبدیل شدن به یک بازیگر کلیدی در هند و اقیانوس آرام، باید خلأ استراتژیک فعلی در شمال خود را پر کند تا آن را به چین واگذار نکند. به همین منظور، طی چند سال گذشته، برنامه توسعه گسترده توانمندی‌های دریایی خود را برای تبدیل شدن به یک قدرت دریایی پیشرو در منطقه آغاز کرده است. این برنامه تجهیزاتی با هزینه ۶۰ میلیارد یورو شامل ساخت ۱۲ ناوچه (کلاس OPV-80، قابل تحویل از سال ۲۰۲۲)، ۹ ناوچه چند منظوره (تحویل از سال ۲۰۲۹) با پشتیبانی دو کشتی سوخت‌رسان است. در همین حال، زیردریایی‌های کلاس کالینز و ۸ ناوچه کلاس ANZAC مدرن‌سازی می‌شوند و عمر مفید آنها افزایش می‌یابد (Peyronnet, 2021:3).

1. Loyal Wingman

2. E/A-18 Growler

3. MH-60R

4. NH-90

برای بریتانیا، آکوس مصداق عینی سند «بریتانیای جهانی در عصر رقابتی»^۱ (مارس ۲۰۲۱) است که بر تعامل عمیق تر این کشور در منطقه هند و اقیانوس آرام به عنوان اولویت سیاست خارجی تاکید می کند. پس از خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا (برگزیت) در سال ۲۰۲۰، این کشور بر تلاش های خود در حمایت مجدد از بریتانیای جهانی افزود. با وجودی که این کشور روسیه را به عنوان «حادثترین تهدید مستقیم برای بریتانیا» توصیف می کند، چین را نیز به عنوان یک «رقیب سیستمی» معرفی می کند. در واقع، بریتانیا با عضویت در آکوس و با به رسمیت شناختن تأخیری چین به عنوان منبع اصلی ریسک استراتژیک، جاه طلبی جهانی خود را برای ایجاد موازنه امنیتی در برابر چین نشان داد (CRS Reports, 2022e: 2). در سند بریتانیای جهانی، بیش از سی بار از منطقه ایندو-پاسیفک نام برده شده و عنوان شده که این کشور به عنوان شریک اروپایی با گسترده ترین و یکپارچه ترین حضور، عمیقاً در ایندو-پاسیفیک مشارکت خواهد داشت. پیش از استراتژی بریتانیای جهانی، این کشور در سال ۲۰۱۸ پایگاه نظامی بحرین را که سال ۱۹۴۷ آن را تخلیه کرده بود، بازگشایی کرد و اکنون بزرگترین پایگاه عملیات دریایی بریتانیا در خارج از کشور است. در سپتامبر ۲۰۲۰، وزارت دفاع بریتانیا توسعه بندر دقم^۲ در عمان را برای تسهیل استقرار نیروی دریایی بریتانیا در اقیانوس هند اعلام کرد (British Cabinet Office 2021).

در واقع، آکوس قصد بریتانیا، کشوری که اغلب نزدیک ترین و قابل اعتمادترین متحد ایالات متحده به حساب می آید، برای گسترش مشارکت خود در منطقه هند و اقیانوس آرام را تأیید کرد. بریتانیا در سال ۲۰۲۱ با استقرار یک گروه تهاجمی ناو هواپیمابر دریایی به رهبری ناو اچ ام اس ملکه الیزابت در هند-اقیانوس آرام، نمایش برجسته ای از علاقه مجدد منطقه ای خود به ایندو-پاسیفیک انجام داد. بریتانیا یک حضور نظامی دائمی نسبتاً کوچک در منطقه هند و اقیانوس آرام دارد که دارای تأسیسات در بحرین، بروئی، دیگو گارسیا، عمان، قطر و سنگاپور است. در سال ۲۰۲۱، مقامات بریتانیا اعلام کردند که این کشور حداقل تا پنج سال آینده دو کشتی گشت زنی نیروی دریایی جدید را در منطقه هند و اقیانوس آرام مستقر خواهد کرد. در این راستا دولت انگلستان از سال ۲۰۲۰، برای هم گام شدن با چالش های امنیتی جهانی، متعهد به افزایش هزینه های دفاعی جدید شده است. در سال ۲۰۲۱، بریتانیا با صرف ۷۲.۷ میلیارد دلار (۲.۲۵٪ از تولید ناخالص داخلی) سومین هزینه های دفاعی بالا در جهان را داشت. روابط نزدیک با استرالیا سنگ بنای رویکرد بریتانیا به منطقه است. علاوه بر افزایش همکاری دفاعی تحت آکوس، دو کشور در سال ۲۰۱۳ پیمان همکاری دفاعی و امنیتی را امضا کردند.

1. Global Britain in a competitive age

2. Duqm

در سال ۲۰۱۸، استرالیا قرارداد ۲۵.۶ میلیارد دلاری با شرکت انگلیس بی.ای.ئی سیستمز^۱ برای ساخت ۹ ناوچه جدید جنگی ضد زیردریایی کلاس هانتز^۲ منعقد کرد (CRS Reports, 2022f: 2).

بریتانیا به شکل سنتی نخستین قدرت بزرگی بود که برخی از ابعاد موازنه‌گری از دور را در راهبرد کلان خود در سیاست خارجی به کار بست. میرشایمر (۲۰۰۱) معتقد است که ایالات متحده و بریتانیا در سیاست بین‌الملل به‌طور سنتی همواره موازنه‌کنندگان از دور بوده‌اند. بریتانیا به‌شکل سنتی یکی از بازیگران اصلی در دریاهای جهان بوده و نگرانی جدی از گسترش دریایی چین در منطقه ایندوپاسفیک دارد. بریتانیا با توجه به ناوگان دریایی خود، توان پذیرش بخشی از مسئولیت مهار چین را دارد. تا پیش از برگزیت، سیاست خارجی بریتانیا تحت تأثیر برخی محدودیت‌های ایجاد شده توسط اتحادیه اروپا بود و به نظر می‌رسد این محدودیت‌ها با برگزیت کنار گذاشته شده و بریتانیا آزادی عمل بیشتری در اعمال سیاست‌های فرامنطقه‌ای پیدا کرده است. از این منظر، نگاه بریتانیا به منطقه ایندو-پاسفیک باید در فضای پس‌اب‌گزیت فهم شود که جهانی‌تر از دوران حضور در اتحادیه اروپا رفتار می‌کند. لذا پس از برگزیت بریتانیا پیوندهای فرآتلانتیکی را تقویت نموده و منافع خود در ایندوپاسفیک را هم راستا با ایالات متحده تنظیم نموده است.

بریتانیا همواره تلاش داشته است به استرالیا، نیوزلند و سایر متحدان منطقه‌ای به‌ویژه اعضای کشورهای مشترک‌المنافع اطمینان دهد که در مورد نفوذ چین در منطقه با آن‌ها دارای نگرانی مشترک است. بریتانیا حضور تاریخی بلندمدتی در این منطقه داشته است. بعد از کاهش حضور نظامی در نیمه دوم قرن بیستم، به نظر می‌رسد با توجه به سند جدید «بریتانیای جهانی در عصر رقابتی»، منافع خود را جهانی‌تر تعریف نموده است (GOV.UK., 2021). در واقع، بریتانیا منطقه ایندو-پاسفیک را در حال مبدل شدن به مرکز تجارت و اقتصاد بین‌المللی تلقی می‌کند و غفلت از آن سبب می‌شود نفوذ چین در این منطقه تقویت گردد. از منظر بریتانیا این اتحاد می‌تواند نگرانی‌های بریتانیا برای ایجاد تغییرات در موازنه قدرت در ایندو-پاسفیک را تا حدی پوشش دهد. این بیانگر نگاه موازنه‌گری از دور بریتانیا نیز است. همچنین، نگرانی دیگر بریتانیا در این منطقه ناشی از گسترش همکاری‌های روسیه با چین در منطقه اقیانوس آرام است.

به‌طور کلی هر یک از کشورهای عضو آکوس، این پیمان را به عنوان یک ضرورت استراتژیک برای امنیت ملی خود تلقی می‌کنند. این ضرورت را می‌توان ناشی از موارد زیر دانست:

¹. BAE Systems

². Hunter-class anti-submarine warfare frigates

الف) برای آمریکا این پیمان در راستای تقویت اتحادها به منظور حفظ آمریکا به عنوان یک رهبر جهانی معنی پیدا می کند؛

ب) برای استرالیا این پیمان با توجه به شناخت این کشور از تهدید فزاینده چین، زمینه ای برای ورود به باشگاه زیردریایی های هسته ای است؛

ج) برای بریتانیا نیز این پیمان در بازتصویر از خود به عنوان بازیگر اصلی هند و اقیانوسیه در قالب چشم انداز «بریتانیا جهانی» پس از برگزیت، بسیار کلیدی است (Swanström and Panda, 2021: 19).

۴- پیامدهای امنیتی پیمان آکوس

تشکیل آکوس پیامدهای امنیتی مهمی برای منطقه و کشورهای عضو دارد. بخشی از مهم ترین پیامدهای امنیتی آکوس را می توان چنین بر شمرد:

الف) احتمال انحراف هسته ای از سوی استرالیا به سمت ساخت کلاهک های هسته ای. امروزه فناوری هسته ای در مسیر جهانی شدن قرار دارد و باعث تحریک بسیاری از کشورها جهت هسته ای شدن گردیده است. علاوه بر این، در سیاست بین الملل، نیت می تواند یک شبه تغییر کند. شاید تعجب آور نباشد که استرالیا بتواند چنین فن آوری را در ساخت کلاهک های هسته ای منحرف کند.

ب) چنین توافق هسته ای به طور بالقوه می تواند زمینه افزایش بی ثباتی و بحران از طریق سرعت بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی در آسیا-اقیانوسیه باشد. از آن جایی که استرالیا اولین کشور بدون سلاح هسته ای خواهد بود که زیردریایی های هسته ای تولید کرده است، کشورهای دیگری مانند ژاپن، کره جنوبی و حتی تایوان با وجود تضمین های امنیتی ایالات متحده، با معضلات امنیتی حادی روبرو هستند که ممکن است آن ها را به پیروی از این روند بکشاند. همه این کشورها از نظر فن آوری پیشرفته هستند و ممکن است آرزوی داشتن زیردریایی های هسته ای را توسعه دهند. افزایش رقابت تسلیحاتی بین این کشورها، چشم انداز بی ثباتی بحران و خطر بروز بحران های نظامی در منطقه را افزایش می دهد.

ج) اتحاد های استراتژیک ایالات متحده مانند کواد و آکوس ممکن است در خدمت منافع امنیتی ایالات متحده و متحدانش باشند. چنین مشارکت راهبردی ممکن است امنیت استرالیا، ژاپن و هند را نیز افزایش دهد. با این حال، چنین الزاماتی به طور بالقوه می تواند امنیت کشورهایمانند پاکستان را

به دلیل رقابت استراتژیک آن با هند کاهش دهد. بنابراین، شکل‌گیری این نوع پیمان‌های استراتژیک، به‌ویژه آن‌هایی که شامل هند می‌شود، می‌تواند پیامدهای زیان‌باری بر ثبات جنوب آسیا داشته باشد.

د) به‌عنوان بخشی از تعادل فراساحلی ایالات متحده، این کشور و متحدان آسیایی آن در قالب کواد و آکوس فشار استراتژیک بر چین وارد خواهند کرد که در نتیجه آن یک معضل امنیتی بین ایالات متحده و چین ایجاد خواهد شد. این ممکن است دو سناریو بالقوه برای چین ایجاد کند: اول این‌که چین قابلیت‌های نظامی و اقدامات متقابل مؤثر خود را برای ایجاد تعادل و مقابله با استراتژی ایالات متحده به‌منظور محاصره چین، توسعه خواهد داد. دوم، چین می‌تواند الزامات اقتصادی خود را با ادغام هر چه بیشتر کشورها از جمله متحدان نزدیک ایالات متحده برای دوری از اجتناب ناپذیر بودن بحران نظامی تسریع بخشد. با توجه به این موضوع، پیش‌برد اقدامات متقابل مؤثر برای حفظ تعادل و یکپارچگی اقتصادی می‌تواند تا حد زیادی از بروز بحران‌های نظامی جدی بین رقبا جلوگیری کند (Khan, 2021b).

چین برای دستیابی به این اهداف از نیروی دریایی خود می‌خواهد تا توانایی نیروی ضد دسترسی / منع منطقه^۱ را برای جلوگیری از مداخله ایالات متحده در درگیری در یک منطقه مجاور مانند تایوان یا تأخیر ورود و اثربخشی ایالات متحده و متحدانش، فراهم کند. استقرار سکوهاى مدرن چندمنظوره با سلاح‌ها و حس‌گرهای پیشرفته ضد کشتی، ضد هوایی و ضد زیردریایی به منظور شناسایی کشتی‌های سطحی، زیردریایی‌ها، هواپیماها، وسایل نقلیه بدون سرنشین آمریکا و متحدان و نظارت و سیستم‌های شناسایی آنها، نمونه‌هایی از افزایش توان دریایی چین هستند.

ایالات متحده نیز با اختصاص درصد بیشتری از ناوگان خود در اقیانوس آرام و اختصاص جدیدترین کشتی‌ها، هواپیماها و ماهرترین پرسنل خود به این منطقه، به قاطعیت فزاینده چین پاسخ داده است و تلاش داشته است با افزایش حضور و آموزش نیروی دریایی متحدین در منطقه و توسعه مفاهیم و فن‌آوری‌های جدید جنگ دریایی مانند فن‌آوری‌های بدون سرنشین و دقیق، با تلاش‌های ضد دسترسی چینی مقابله کند (Chapman, 2022c: 5-6).

وزارت دفاع آمریکا ارزیابی می‌کند که تعداد زیردریایی‌های حاوی موشک‌های بالستیک چین از ۱ زیردریایی در سال ۲۰۰۱ به ۶ زیردریایی در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است و پیش‌بینی کرده است تا سال ۲۰۳۰ به ۸ زیردریایی و تا سال ۲۰۴۰ به ۱۰ زیردریایی برسد. زیردریایی‌های تهاجمی هسته‌ای چین از ۶ زیردریایی در سال ۲۰۰۱ به ۹ زیردریایی در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته است و پیش‌بینی

^۱. Anti-Access/Area Denial (A2/AD)

می‌شود تا سال ۲۰۳۰ به ۱۲ و تا سال ۲۰۴۰ به ۱۶ زیردریایی برسد. و تعداد زیردریایی‌های تهاجمی دیزلی چین از ۵۱ زیردریایی در سال ۲۰۰۱ به ۵۶ زیردریایی در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته‌است و انتظار می‌رود تعداد این سکوی تسلیحاتی تا سال ۲۰۳۰ به ۵۵ و تا سال ۲۰۴۰ به ۴۶ زیردریایی کاهش یابد؛ زیرا پکن تاکید بیشتری بر قابلیت‌های زیردریایی هسته‌ای خود دارد. زیردریایی‌های هسته‌ای نوظهور چین شامل زیردریایی تهاجمی هسته‌ای کلاس شانگ^۱ و زیردریایی موشک‌های بالستیک کلاس جین^۲ مجهز به ۱۲ موشک بالستیک JL-2 برای هر یک و اژدرهای بی‌هوا که فریب دادن آنها برای کشتی‌های سطحی دشوار است، می‌باشد (Chapman, 2022d: 6).

همکاری تسلیحاتی آکوس می‌تواند به سایر حوزه‌های امنیتی گسترش پیدا کند همچنان که در آوریل ۲۰۲۲، رهبران آکوس متعهد شدند "همکاری سه جانبه جدید در زمینه‌های ما فوق صوت، ضد ما فوق صوت و قابلیت‌های جنگ الکترونیک" را در پاسخ به آزمایش‌های چین در مورد موشک‌های مافوق صوت که رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا، ژنرال مارک میلیان را "بسیار نگران کننده" توصیف کرده بود، پایه گذاری کنند (CRS Reports, 2022g).

۵- راهبرد چین در قبال آکوس

چین این اتحاد را «بسیار غیرمسئولانه» توصیف کرده و آن را نتیجه «ذهنیت منسوخ شده جنگ سرد» می‌داند. از نظر چین امروز نظم بین‌المللی بر چندجانبه‌گرایی استوار است؛ هر قدرتی که بخواهد توازن استراتژیک را از بین ببرد، با مخالفت سایر کشورها مواجه خواهد شد. چین به طور مکرر تلاش‌های اعضای آکوس و کواد را برای هم‌افزایی و هماهنگی تحقیر می‌کند و آن را کف دریا تشبیه کرده که از بین می‌رود و هیچ فرصتی را نیز برای ارسال پیام‌های ترسناک به آنها از دست نمی‌دهد. این منجر به وحشت محسوسی بویژه در میان اعضای کواد که روابط اقتصادی خوبی با چین دارند، شده است، به طوری که محتاطانه تلاش کرده‌اند رویکرد ضد چینی را در این توافق تعدیل نمایند (Lamba, 2022: 255-56).

به‌طور کلی، راهبرد چین در قبال آکوس را می‌توان در چارچوب سیاست موازنه‌گری چین در قبال ایالات متحده ادراک کرد. در واقع، چین راهبردی غیرمستقیم برای موازنه‌گری ایالات متحده اتخاذ کرده است. این رویکرد موازنه‌گری غیرمستقیم به شکل گسترده مورد توجه پژوهشگران سیاست بین‌الملل است که از آن در قالب مفاهیمی نظیر موازنه نرم و اخیراً موازنه‌گری هیبریدی یاد می‌شود.

¹. Shang-Class Nuclear-Powered Submarine

². Jin-Class Ballistic Missile Submarine

از این منظر، راهبرد چین در اصل رویکردی چندبعدی و دارای ابعاد سیاسی، اقتصادی و نظامی است. این راهبرد در دهه ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ دارای اولویت اقتصادی قابل توجه بود و چین بخش عمده‌ای از موازنه‌سازی غیرمستقیم خود را معطوف به موازنه‌سازی اقتصادی نمود. با این وجود، افزایش توجه ایالات متحده به منطقه ایندوپاسفیک که طی دهه اخیر تشدید شده است، وزن ابعاد دیگر در موازنه‌سازی را تغییر داده است. این توجه و ائتلاف‌سازی ایالات متحده که تجلی آن را می‌توان در کواد و آکوس مشاهده نمود، چین را به سمت تقویت موازنه‌گری نظامی معطوف ساخته است.

در این چارچوب، تقویت نیروی نظامی و پیمان‌های منطقه‌ای نظامی به راهبرد مهم چین در قبال ایالات متحده در قبال گسترش آکوس تبدیل شده است. تقویت توان نظامی چین، در قالب افزایش قابل توجه بودجه و نیروهای مسلح چین بوده است. بودجه نظامی چین طی چند سال اخیر رشد قابل توجهی داشته و از ۱۸۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۲۸۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ رسیده است (Textor, 2023). این افزایش بودجه، نقش جدی در موازنه‌سازی چین در قبال هزینه‌کرد ایالات متحده، بریتانیا و استرالیا در قالب آکوس داشته است.

ماهیت فعالیت امنیتی و نظامی آکوس بر دریا متمرکز است. این در حالی است که به شکل سنتی نیروی دریایی دارای ضعف بیشتری در قیاس با سایر نیروهای چین بوده است. از این منظر افزایش توان دریایی را می‌توان یکی از مهم‌ترین اقدامات چین در راستای موازنه‌سازی دانست. نیروی دریایی چین به‌طور سنتی از نقاط ضعف ارتش این کشور طی سال‌های اخیر بوده و به همین دلیل اسناد دفاعی نوین چین در سال‌های اخیر تاکید زیادی بر گسترش توان نیروی دریایی داشته است. از منظر این سند، افزایش تجهیزات و ارتقای توان نیروی دریایی چین برای گسترش حضور در دریاهای اجتناب‌ناپذیر است. لذا حضور فزاینده در ایندو-پاسفیک و گذار به فراساحل از مهم‌ترین اقدامات چین در عصر قدرت‌افکنی این کشور خواهد بود.

۶- آکوس و کواد: تغییر بازی قدرت در هند و اقیانوس آرام

با تشکیل آکوس، این بحث مطرح شد که آیا این پیمان می‌تواند بر اهمیت کواد تأثیر گذار باشد؟ آکوس و کواد، هر دو پوسته‌ای ضخیم در تلفظ و نازک در جزئیات هستند که گذشت زمان شکل واقعی آن‌ها را آشکار خواهد کرد. البته شاید برای کواد، آکوس یک حرکت خوشایند بوده باشد. چراکه این ترتیبات با خواسته‌های برخی از شرکا و ذی‌نفعان هم‌چون هند سازگار بوده است که تمایل

نداشتند کواد را به‌عنوان یک ترتیب امنیتی خالص با هدف کنترل چین ببینند (Observer (Research Foundation, 2021).

در واقع می‌توان گفت با تشکیل آکوس، بار امنیتی و استراتژیک کنترل چین به این پیمان منتقل شد. لذا، آکوس و کواد را نمی‌توان رقیب هم‌دیگر دانست بلکه به نوعی مکمل هم در کنترل رشد چین هستند. با این حال، یک خط واگرایی استراتژیک در امتداد تفاوت‌هایی مانند گفت‌وگو در مقابل مشارکت نظامی بین آکوس و کواد می‌توان ترسیم کرد. به عبارت دیگر، آکوس یک مشارکت امنیتی-نظامی است، در حالی که کواد در درجه اول یک انجمن گفت‌وگوی دیپلماتیک است. همچنان‌که هند، در اولین موضع خود در مورد آکوس، تأکید کرده است که این پیمان هیچ پیوندی با کواد ندارد، بنابراین هند تلاش کرده است که فاصله خود را از یک "ائتلاف امنیتی" علیه چین حفظ کند. آکوس این فرصت را به هند می‌دهد تا بدون این که این کشور درگیر معادلات امنیتی حساسیت برانگیز شود، به‌عنوان یک ابزار بازدارنده مؤثر در جهت کنترل و موازنه چین ظاهر شود (Swanström and Panda, 2021:16-20) هند می‌خواهد تعادل نظامی-اقتصادی را همزمان در روابط خود با چین حفظ کند. همچنان‌که امروزه چین بزرگترین شریک تجاری هند است. هند نمی‌خواهد این منافع اقتصادی را با درگیر شدن در ائتلاف‌های غیر ضروری امنیتی از دست بدهد.

۷- نتیجه‌گیری

پیمان آکوس یکی از مهم‌ترین جلوه‌های موازنه از دور ایالات متحده در منطقه ایندو-پاسیفیک با هدف حفظ هژمونی جهانی این کشور در برابر تهدید چین است. ایالات متحده در چارچوب آکوس تلاش دارد با استفاده از ظرفیت‌های نظامی کشورهای عضو، بازدارندگی یکپارچه و کم هزینه‌تری را در برابر تهدید چین در منطقه هند و اقیانوس آرام به نمایش بگذارد. یکی از ارکان موازنه از راه دور احاله مسئولیت است. در این چارچوب آمریکا بخش از کارکرد مقابله مستقیم با قدرت رقیب را به بریتانیا و استرالیا احاله نموده است. برای بریتانیا این توافق جلوه‌ای از بازگشت بریتانیای جهانی و در عین حال ابزاری برای موازنه سازی از دور در برابر تهدید مشترک چین و برای استرالیا نیز فرصتی برای تقویت بازدارندگی مستقیم در مقابل این کشور است. ایالات متحده برای اینکه راهبرد موازنه از دور کارآیی لازم را در موازنه سازی علیه چین داشته باشد، همواره تلاش داشته است تا با تعمیق شکاف سیاسی متحدین خود با چین در منطقه ایندو-پاسیفیک، این کشور را یک تنگنای استراتژیک قرار داده و هم‌گرایی امنیتی میان شرکا را تقویت نموده و آن‌ها را برای موازنه سازی بیشتر با چین تحریک کند.

توافق آکوس اولین توافق در تاریخ است که به یک کشور غیرهسته‌ای یعنی استرالیا اجازه می‌دهد زیردریایی‌های هسته‌ای داشته باشد. اما این که چقدر نظارت‌های موثر از سوی نهادهای نظارتی بر فعالیت‌های هسته‌ای استرالیا به منظور تضمین عدم اشاعه و جلوگیری از انحراف هسته‌ای صورت خواهد گرفت، همچنان جای سؤال است. به نظر می‌رسد توسعه زیردریایی‌های هسته‌ای استرالیا، نوسانات و عدم اطمینان در منطقه را گسترش داده و مسابقه تسلیحاتی را در منطقه را افزایش خواهد داد و این خود زمینه لازم برای امنیتی شدن منطقه و افزایش بودجه نظامی چین، ژاپن، کره جنوبی، هند، اندونزی، فیلیپین فراهم خواهد شد.

چین با وجودی که این پیمان را غیر مسئولانه توصیف کرده بود و آن را ناشی از ذهنیت جنگ سرد تلقی کرده، اما واکنش این کشور نسبت به توافق آکوس هوشمندانه بوده و از حرکت‌های امنیتی حساسیت برانگیز اجتناب نموده است. چین نیم‌نگاهی به «شراکت» در محور هژمونی جهانی دارد، چنین رویکردی به نظام چند جانبه بین‌المللی، یک رویکرد بلندمدت است که در آن انتظار دارد با تقویت ارکان قدرت این کشور از یک سو و تضعیف هژمونی آمریکا از سوی دیگر، تحقق پیدا کند؛ اما در کوتاه مدت چین آمادگی ندارد روابط خود را با رقبای غربی، وارد تنازعات امنیتی و ژئوپلیتیک کند. چین به خوبی می‌داند که جبهه‌گیری‌های امنیتی غیر ضروری علیه آمریکا، با افزایش دادن ریسک‌های اقتصادی، جریان سرمایه‌گذاری خارجی را که حکم گردش خون در پیکره اقتصادی این کشور را دارد، معکوس خواهد کرد و آسیب جدی به رشد اقتصادی این کشور وارد خواهد کرد. چین در سیاست خارجی تلاش می‌کند، تا جای ممکن در چارچوب قواعدی رفتار کند که منجر به افزایش تنش‌های امنیتی جدی و غیرضروری با غرب نشود. این سیاست را می‌توان در اتخاذ موضع بی‌طرفانه در قبال جنگ ۲۰۲۲ اوکراین و خویشتن‌داری در بحران تایوان مشاهده کرد.

منابع و مأخذ

فارسی:

- ابراهیم‌خانی، حسین (۱۳۹۹). «مفهوم «ایندو-پاسیفیک»، هم‌گرایی توأم با جهت‌گیری‌های متفرق»، عیبهمن، مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی، آنلاین: <https://ipis.ir/portal/subjectview/625608>
- دان، تیم، اسمیت، استیو و میلجا کورکی (۱۳۹۶). *نظریه‌های روابط بین‌الملل*، ترجمه عبدالمجید سیفی و شهرزاد مفتوح، تهران: نشر میزان..

– پریفتی، بلدر (۱۳۹۶). سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه، ترجمه عبدالمجید سیفی، تهران: نشر قومس

انگلیسی:

- Ahmadkhan, T. (2023), “Limited Hard Balancing”, **Journal of Indo-Pacific Affairs**, Vol. 6, No. 9, pp. 92-108 .
- Bayezit, F. (2022). “The AUKUS Deal Through a Neoclassical Realist Lens: Offshoe Balancing and Elite Perceptions”, **Nevşehir Hacı Bektaş Veli Üniversitesi SBE Dergisi**, Vol. 12, No. 2, pp. 772- 790.
- British Cabinet Office, (2021). “Global Britain in a competitive age: The integrated review of security”, **Defence, Development and Foreign Policy**, <https://www.gov.uk/government/publications/global-britain-in-a-competitive-age-the-integrated-review-of-security-defence-development-and-foreign-policy> .
- Chapman, B. (2022). “The Australia, United Kingdom, and United States (AUKUS) Nuclear Submarine Agreement: Potential Implications”, **FORCES Initiative: Strategy, Security, and Social Systems**, <https://docs.lib.purdue.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1003&context=forces>
- Cheng, M. (2022). “AUKUS: The Changing Dynamic and Its Regional Implications”, **European Journal of Development Studies**, Vol. 2, No.1, DOI: <http://dx.doi.org/10.24018/ejdevelop.2022.2.1.63>
- Clinton, Hillary. (2011). “America’s Pacific century”, **Foreign policy**, No. 189, pp:56-63, <https://foreignpolicy.com/2011/10/11/americas-pacific-century/>
- Corben, T., Townshend, A., & Patton, S. (2021, September 16). “What is the AUKUS Partnership?” USSC: <https://www.ussc.edu.au/analysis/explainer-what-is-the-aucus-partnership>
- Coşkun, Alper (2021). “QUAD, AUKUS and the American Pivot to Asia: Implications for Turkey and a case for recalibration”, EDAM, **Centre for Economics and Foreign Policy Studies**, Semtember, <https://edam.org.tr/wp-content/uploads/2021/09/210924-Alper-Coskun-AUKUS.pdf>
- CRS Reports (2022). “AUKUS and Indo-Pacific Security”, **CRS Reports**, May 19, <https://crsreports.congress.gov/product/pdf/IF/IF12113>
- Danindra Novita, A. (2022). “AUKUS Alliance: United States Strategic Interest in Indo-Pacific”, **Jurnal Diplomasi Pertahanan**, Vol. 8, No. 1, pp. 1-14.
- Demir, Ali (2023). “AUKUS CAN ENDANGER ASEAN CENTRALITY”, **Journal of Area Studies**, Vol. 2, No. 1, <https://dergipark.org.tr/en/download/article-file/3237382>
- Gallagher, M.(2022). “Reps. Gallagher, Courtney, Moore, Kilmer, Announce Formation of the New Bipartisan AUKUS Working Group”, <https://gallagher.house.gov/media/press-releases/reps-gallagher-courtney-moore-kilmer-announce-formation-new-bipartisan-aucus>
- GOV.UK. (2021), “Global Britain in a competitive age The Integrated Review of Security, Defence, Development and Foreign Policy”, July 2, <https://www.gov.uk/government/publications/global-britain-in-a-competitive-age-the-integrated-review-of-security-defence-development-and-foreign-policy/global->

britain-in-a-competitive-age-the-integrated-review-of-security-defence-development-and-foreign-policy

- Khan, Z. (2021). “AUKUS: US offshore balancing strategy to contain China”, **Tribune**, Oct 06, <https://tribune.com.pk/story/2323416/aucus-us-offshore-balancing-strategy-to-contain-china>
- Lamba, Bikram (2022). “AUKUS Agreement has Strategic Significance for the Indo-Pacific, but what about India?”, **PENSAMIENTO PROPIO**, No. 54, <http://www.cries.org/wp-content/uploads/2022/02/019-Comentario-Lamba-ok.pdf>
- Macartney, Sophia(2023). “Gatekeeping nuclear-powered submarines: What will the precedent be?”, **Center for Arms Control and Non-Proliferation**, May 9, <https://armscontrolcenter.org/gatekeeping-nuclear-powered-submarines-what-will-the-precedent-be/>
- Mearsheimer, J. (2001). **the Tragedy of Great Power Politics**, WW Norton & Company.
- Medcalf, R and v. Nouwens (2022). “Australia and the United Kingdom: an Indo-Pacific security agenda for a revitalised partnership”, **The National Security College**, January, <https://nsc.crawford.anu.edu.au/department-news/19834/australia-and-united-kingdom-indo-pacific-security-agenda-revitalised>
- Observer Research Foundation (2021). “AUKUS and the Quad: Shifting Power Play in the Indo-Pacific”, Sep 30, <https://www.orfonline.org/aucus-and-the-quad-shifting-power-play-in-the-indo-pacific/>
- Peyronnet, Arnaud (2021). “The AUKUS security pact: aligning Australia’s strategy with America’s geopolitical vision”, **Mediterranean Foundation of Strategic Studies (FMES)**, Dec 15, <https://fmes-france.org/wp-content/uploads/2021/12/The-Aucus-AP.pdf>
- Samaan, J.-L. (2021). “AUKUS and the Future of Alliances in the Indo-Pacific”. **Trends Research**, <https://trendsresearch.org/insight/aucus-and-the-future-of-alliances-in-the-indopacific/>
- Shi, Xiaoqin
(۲۰۲۲) Beyond AUKUS: the emerging grand maritime alliance”, **China International Strategy Review**, Vo.4, No.2, <https://link.springer.com/article/10.1007/s42533-022-00123-0>
- Sheng, Y. (2021). “AUKUS deal to continue causing repercussions in transatlantic ties”. **Global Times**, <https://www.globaltimes.cn/page/202109/1234764.shtml?id=11>
- Swanström, N. and Panda, J. (2021). “AUKUS: Resetting the European Thinking on Indo-Pacific?”, **Institute for Security & Development Policy**, Oct 13, <https://isdpeu/content/uploads/2021/10/AUKUS-Resetting-European-Thinking-on-the-Indo-Pacific-9.11.21.pdf>
- Textor, C. (2023). Estimated expenditure on the military in China in current prices from 1990 to 2022, **Statista**, Jul 17, <https://www.statista.com/statistics267035/china-military-spending/>
- Tien, Nguyen Hoang, Tai, Vo Phuoc (2023). “The role of the AUKUS alliance in counterbalancing China”, **International Journal of Multidisciplinary Research and Growth Evaluation**, Vo.4, No.1, <https://www.researchgate.net/publication>

/366946361_The_role_of_the_AUKUS_alliance_in_counterbalancing_China#full
TextFileContent

- Zhu, M. (2021). “AUKUS Alliance: What is it, what does it have to do with China, and why is France angry?” **South China Morning Post**, <https://www.scmp.com/news/china/diplomacy/article/3151700/aukus-alliance-what-it-what-does-it-have-do-china-and-why>.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی